

فیلم‌ها در نوروز چقدر فروختند؟

برفروش‌ترین فیلم اکران نوروز ۱۴۰۲ فیلم «فسیل» است که در کمتر از یک ماه با جذب ۷۲۰ هزار نفر به سالن‌های سینما مجموع فروش خود را از مرز ۳۶ میلیارد تومان فراتر برده است. بعد از «فسیل» اما فیلم «بخارست» قرار دارد که با ۱۲۲ هزار مخاطب، فروش شش میلیارد تومانی (تنها در بازه زمانی اکران نوروز) داشته است. «ملاقات خصوصی» نیز با ۹۴ هزار مخاطب فروش نزدیک به پنج میلیارد تومانی (تنها در بازه زمانی اکران

نوروز) را تجربه کرد.

فیلم «غریب» هم با فروش بیش از چهار میلیارد تومانی فیلم‌های بعدی در جدول پرفروش‌ترین فیلم‌های اکران نوروز ۱۴۰۲ به حساب می‌آیند.

اما کم‌فروش‌ترین فیلم در ترکیب فیلم‌های اکران نوروزی «پچه‌های طوفان» است که تنها ۴۴ مخاطب داشته و مجموع فروشش تازه از مرز ۲۰ میلیون تومان عبور کرده است.



علی رستگار گروه فرهنگ و هنر

فرهاد قائمیان سال پرکاری را پشت سر گذاشت و نامش در تئاتر و کشف استعداد های هنر نمایش و فیلم و به عنوان داور چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، داور هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت، داور هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، داور سیزدهمین جشنواره سراسری تئاتر بسیج، داور جشنواره سراسری خیابانی سردار جنگل، داور جشنواره تئاتر خنای ایثار، داور جشنواره تئاتر خیابانی ارس، داور جشنواره رسانه‌ای صبح، عضو هیات انتخاب بخش نمایش صحنه‌ای دوازدهمین دوره سراسری و نخستین دوره بین‌المللی تئاتر صاحب‌لان، عضو هیات انتخاب سومین رویداد تصویر دهم و رویداد های دیگر فرهنگی و هنری به چشم خورد. قائمیان همچنین در دو فیلم غریب و بهشت تبهکاران هم بازی کرد که با اولی در چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر درخشید و برنده دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شد.

حضور همواره انرژی بخش او در کنار انتقال تجربیات فراوان در عرصه بازیگری و سینما به نسل جوان، واجد نکات آموزنده است و توقع چنین مشارکت مثبت و حداکثری را هم از دیگر هنرمندان با تجربه ایجاد می‌کند. شاید خیلی‌ها ندانند قائمیان فارغ از رصد استعداد های جوان در تئاتر و سینما، در زمینه حمایت از نویسندگان جوان هم فعال است و کتاب‌هایی تحت عنوان نقره‌فام را روانه بازار نشر کرده یا آثار دیگری را در دست انتشار دارد. این حلقه اتصال قائمیان با جوانان، حتی در برخی نقش‌آفرینی‌های او هم مشهود است و ضمن نکات آموزشی در بازی که به کار علاقه‌مندان بازیگری می‌آید، مفهوم و زیرمتن هم ردی از مسئولیت‌پذیری و دغدغه‌های او درباره نسل جوان را دارد. یکی از مثال‌های متاخرش همین نقش سرهنگ شهید ایرج نمرت‌زاد در فیلم «غریب» (محمدحسین لطیفی) است که قائمیان در این گفت‌وگو به لزوم معرفی چنین شخصیت‌های مهمی به جوان‌های امروز تاکید می‌کند. در این مصاحبه مضمّل با قائمیان ضمن مرور روند بازیگری و نقاط عطف او در سینما و همکاری‌های مستمر و موثر و ماندگارش با کارگردان‌هایی نظیر رسول ملاقلی‌پور، ابراهیم حاتمی‌کیا و محمدحسین لطیفی، خاطره‌بازی و نکات آموزشی مرتبط با سینما و بازیگری را هم فراموش نکردیم.

اگرچه حضور خوب‌تان در فیلم‌های کوتاه و دفاع مقدسی سکون (برنده جایزه بهترین

فیلم جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه فرانسه، لحظه‌های گمشده، بادبادک‌های کاغذی و تنها صداست که می‌ماند قابل اشاره و بیانگر دغدغه‌هایمیشگی شما در این زمینه است اما در سینما و فیلم بلند و لحاظ کمی، کارهای چندان زیادی در فضای جبهه و جنگ ندارید. البته همین چند فیلمی که بازی کردید، جزو بهترین‌های این عرصه است؛ هیوا، قارچ سمی، سفر به فردا و غریب. چه متر و معیارهایی برای پذیرش بازی در این فیلم‌ها دارید و آیا از ابتدا به موفقیت و ماندگاری این آثار اطمینان داشتید؟ نه، بی‌محاسبه بازی در این آثار را قبول می‌کنید؟

فیلمنامه، کارگردان، عوامل فیلم و نقشی که پیشنهاد می‌شود، از مهم‌ترین عوامل حضور من در این آثار هستند و مهم‌تر این‌که این فیلم‌ها به موضوع دفاع مقدس می‌پردازد. همیشه این را گفته‌ام که حتما باید این مقطع از تاریخ کشورمان با ساخت فیلم‌های خوب و ارزشمند حفظ و به نسل جوان منتقل شود.

به نظر می‌رسد فارغ از دلایل فنی و اعتقادی که به آن اشاره کردید، بحث تقدیر هم در این میان موثر است که خروجی همه یا بیشتر این فیلم‌ها با موفقیت همراه بود.

بله، خوشبختانه همه عوامل دست به دست هم دادند تا این فیلم‌ها موفق و ماندگار شود. از تقدیر تا کیفیت نقش و عوامل و انرژی‌های خودمان که از ته دل دوست داریم کارهای خوبی در این زمینه ساخته شود.

هرچقدر در ورود شما به سینما نقش شد... صدی پرزنگ است، در

بحث نقطه عطف تحول در بازیگری‌تان، نقش رسول ملاقلی‌پور برجسته است. کمی درباره نقش این دو فیلمساز در مسیر بازیگری بگویید. این‌که در ابتدا و اوایل فعالیت‌تان در سینما سر راه این دو سینماگر قرار گرفتید.

این هم به تقدیر برمی‌گردد. بحث با من یار بود که فعالیت‌م در سینما را با بازی در فیلمی از زنده‌یاد صدی شروع کردم. ایشان از بهترین فیلمسازان سینمای ایران بود و آثار شاخص و ماندگاری در ژانرهای مختلف ساخت.

قبل از فیلم دمرل با آقای صدی آشنایی نداشتید؟

نه. آقای صدی برای فیلم دمرل دنبال لوکیشن بود، من هم شرایطی فراهم کردم که این لوکیشن‌ها پیدا شود و بعد هم که نقشی در این فیلم بازی کردم.

موقع بازی در فیلم اول استرس نداشتید؟

ناشنا با دوربین نبودم. قبل از بازی در سینما هم تئاتر کار کرده بودم، هم فیلم کوتاه ساخته بودم و هم تهیه‌کننده و مجری طرح مرکز بودم. ضمن این‌که سابقه ۱۲ سال تدریس را هم

برش

چشم‌انداز سینمای ایران در سال ۱۴۰۲

باوجود افتی که مقطعی در کارهای نمایشی پیش آمد اما معتقدم تئاتر، تلویزیون و سینمای ایران زنده است و حضور خوب جوانان در جشنواره‌های تئاتر، فیلم فجر، فیلم کوتاه تهران، سینماحقیقت و جشنواره فیلم ۱۰۰ در سال گذشته نشان از همین زنده بودن، نشاط و پویایی دارد. ببینید که جوان‌ها به‌ویژه در شهرستان‌ها با چه شوق و انگیزه‌ای کار می‌کنند. اگر این هنرمندان انگیزه نداشته باشند که کار نمی‌کنند، در کنار این جریان مستمر هنری، مطالبه هم باید وجود داشته باشد. به نظرم فعالیت و پویایی هنرمندان امسال هم ادامه خواهد داشت. آرزو می‌کنم در سال جدید همه مردم ایران شاد و سلامت و در آرامش باشند و سفره پربرکی هم داشته باشند. امیدوارم با تعدیل مشکلات اقتصادی، شادی و آرامش به خانواده‌ها برگردد و در جامعه تکثیر شود و همه در جهت حفظ مملکت و موفقیت کشور قدم بردارند.

قاب



یک هنرمند ویتنامی با موتور سیکلتش به سراسر ویتنام سفر می‌کند تا تصویر هزاران مادری را به تصویر بکشد که در طول جنگ ویتنام با آمریکا عزیزان‌شان را از دست داده‌اند. «دانگ آی ویت»، هنرمند ویتنامی است که در تلاش برای فراموش نشدن چهره مادرانی که در طول جنگ ویتنام دو یا چند نفر از عزیزان‌شان را از دست داده و رنج کشیده‌اند، با موتورش به نقاط مختلف این کشور در جنوب شرقی آسیا سفر می‌کند. این نقاش ۷۵ساله تاکنون چهره ۲۷۶۵ زن را به تصویر کشیده است که اعضای گروهی محسوب می‌شوند که به دلیل فداکاری‌های‌شان در طول جنگی که در سال ۱۹۷۵ میلادی تمام شده به گروه «مادران دلاور» مشهور است.

این آمار و ارقام امیدوارکننده برای سینمای ایران در حالی در گیشه نوروزی سینمای ایران به ثبت رسیده که تا دو هفته دیگر و با کلید خوردن فصل اکران عید فطر، دور از انتظار نیست که با موج تازه‌ای از استقبال مخاطبان از فیلم‌های در حال اکران در سینماها مواجه شویم و این نویددهنده بهاری امیدوارکننده برای سینمای ایران است.

همین همیشه منت دار آقارسول برای این مسیر در بازیگری و وام‌دار آقای صدی برای ورود به سینما هستم، من خارج سینما، از آقارسول خیلی چیزها یاد گرفتم. ایشان به من آموخت که آدم باید حال خوب و دل بزرگی داشته باشد و اینها را با نقش، اثر و کارش به مخاطب منتقل کند.

کم پیش می‌آید که یک بازیگر، سه فیلم پشت هم با یک کارگردان کار کند اما شما به قول فوتبالی‌ها هت‌تریک و بعد از هیوا در نسل سوخته و قارچ سمی هم با ملاقلی‌پور کار کردید. حتماً رفاقتی هم شکل گرفته بود که این همکاری ادامه پیدا کرد.

قطعاً همین‌طور است و می‌توانم به جرات بگویم که خارج از فضای سینما یکی از دوستان صمیمی و نزدیک آقارسول بودم و ایشان مرا پذیرفته بود. به جز این فیلم‌ها که من بازیگر آقارسول بودم، در فیلم سفر به فردا هم همکاری داشتیم. ایشان آنجا طرح صحنه و لباس بود و من وقتی بازی هم نداشتم، به عنوان نماینده آقارسول کارها و پیگیری‌های مربوط به صحنه و لباس را انجام می‌دادم. در قارچ سمی بعد از نوشتن هر سکانس، تماس می‌گرفت و آن را برای من می‌خواند. حتی در انتخاب اسامی فیلم هم نقش داشتم و ایشان با من مشورت می‌کرد. به عنوان مثال اسم دومان که برای شخصیت اصلی و آقای هاشم‌پور انتخاب شد در ترکی به معنی مه‌آلود است. نقش دومان هم در فیلم همیشه در شرایط بد و مه‌آلودی قرار دارد و دلش یارانی است. ما آن‌ری واقعی کسی ناراحت است، می‌گوییم: «حالون دومان‌دی؟»

انگار نام خانوادگی دومان یعنی قائمی هم از فامیلی شما می‌آید.

راستش این را نمی‌دانم که آیا آقارسول موقع انتخاب نام قائمی به نام خانوادگی من فکر می‌کرد یا نه اما آقای جلال‌الدین معیریان، طراح گریم فیلم هم همین را پرسید و گفت فامیلی دومان به خاطر فامیلی شماس‌ت که اظهار بی‌اطلاعی کردم. ولی در مجموع در راستای نقش، گاهی پیشنهاداتی مطرح می‌کردم که با لطف و اجازه آقارسول به فیلمنامه هم راه پیدا کرد. مثلاً در آن سکانسی که دومان به خانه بی‌تا می‌رود، به آقارسول پیشنهاد دادم که یک موسیقی آذری با صدای دودو مودن پخش شود یا در یکی از سکانس‌های خانه، پیشنهاد دادم که خدا را روی میز پیدا کنم و ببینم، درحالی‌که معمولاً همه خدا را بالای سرشان می‌بینند اما من در این سکانس سعی کردم خدا را اطراف خود پیدا کنم و به‌شانه‌ام نگاه کردم. بااین توضیح که نشان دهم این آدم موجی نیست واین برون ریزی معنوی سلیمان است که او را متفاوت نشان می‌دهد. در فیلمنامه هم به قدرت درونی و انرژی دست‌های این شخصیت اشاره شده

بود. بعد از یکی از دفاعاتی که در زندان دومان را

معداد و سرنگی به او تزریق می‌کنند،

سکانسی نمادین در جنگ

می‌بینیم که سلیمان

دست‌هایش را

روی سر دومان

گذاشته، به

او انرژی



فرهاد قائمیان، بازیگر فیلم «غریب»

فرهنگ مقاومت را

نسل جوان باید با تاریخ ایر

می‌دهد و درمانش می‌کند، همان صحنه‌ای که بالگرد از بالای سرشان رد می‌شود. این البته از هنر آقارسول و عوامل دیگر بود که چنین صحنه زیبایی خلق کردند. آقارسول به قدری فضا را مهیا و هدایت می‌کرد تا خلاقیت بازیگر بروز کند. مثل سکانس مدرسه و دیدار سخت و احساسی سلیمان با دخترش که به دلیل شرایط مناسب و هدایت خوب آقارسول تنها در دو برداشت گرفته شد، درحالی‌که ما فکر می‌کردیم فیلمبرداری این سکانس تا شب طول بکشد. بخشی از این تعامل هم حاصل آن رفاقت و صمیمیتی بود که بین من و آقارسول وجود داشت، سر همین فیلم قارچ سمی من با ماشین دنبال ایشان می‌رفتم و با هم سرصحنه می‌رفتم و برمی‌گشتم.

جمشید هاشم‌پور هم مثل شما یک پای ثابت فیلم‌های متاخر ملاقلی‌پور بود. به نظر می‌رسد با او هم رفاقتی دارید؟

بله. فارغ از این رفاقت که باعث افتخار من است، آقای هاشم‌پور یک بازیگر واقعا تمام عیار است و با یک نگاه، منظور نقش و صحنه را به مخاطب منتقل می‌کند. آقارسول به خاطر دعوت از آقای هاشم‌پور برای بازی در هیوا با بزرگ‌منشی و احترام با یک جبهه شیرینی و دسته‌گل بزرگ به خانه آقای هاشم‌پور رفت. خوشبختانه این همکاری شکل گرفت و آقای هاشم‌پور، آقارحیم هیوا شد. هر همکاری با آقای هاشم‌پور برای من کلاس درس بود. دوستی و همکاری با ایشان هم به همان تقدیر برمی‌گردد.

به جز ملاقلی‌پور، همکاری شما با ابراهیم حاتمی‌کیا هم مستمر بودو تا اینجا سه فیلم با هم کار کردید.

معمولاً همکاری من با کارگردان‌ها ادامه پیدا می‌کند و به کارهای بعدی می‌رسد، ازجمله آقارسول و آقای حاتمی‌کیا و آقای محمدحسین لطیفی.

در دومین فیلم اصغر فرهادی در سینما (شهر زیبا) هم بازی کردید. او در سال‌های اخیر در کارگردانی پخته‌تر شده و سبک و سیاق منحصر به فرد خود را دارد. از جمله تمرین‌های دقیق و حساب شده با بازیگران برای طراحی و اجرای گذشته نقش‌ها در

پیشخوان

انتشار دیوان کامل مولانا دهقان کیلانی



در نخستین روزهای سال جدید کتاب «دیوان کامل اشعار مولانا دهقان کیلانی» با گردآوری، تصحیح و تدوین حسن گل محمدی، به‌تازگی در شمارگان ۱۰۰ نسخه، ۲۳۲ صفحه و بهای ۱۸۰ هزار تومان توسط نشر جامی منتشر شده است. مرحوم فیض...! فاجانی معروف به مولانا دهقان کیلانی، از شعرای معاصر شهر کیلان (در بخش مرکزی شهرستان دماوند) است. او از دوران کودکی با توجه به استعداد و علاقه‌ای که به تحصیل داشت نزد باسوادان معدود روستای محل زادگاهش به خواندن و نوشتن پرداخت و به علت توانایی‌هایی که از خود نشان داد در سنین نوجوانی به کدخدایی روستای کرک رسید. فیض...! فاجانی در محافل و مجالس شهر خود به بحث و گفت‌وگو و شعرخوانی برای اهالی محل می‌پرداخت و چون اشعار فراوانی از مولوی را برای مردم می‌خواند، میان خاص و عام به «مولانا» شهرت یافت. فاجانی چون به کار کشاورزی و باغداری هم علاقه داشت و خود نیز شعر می‌سرود، تخلص «دهقان» را برای سروده‌هایش انتخاب کرد.

روی صحنه

بردیا کیارس رهبر ارکستر «هفت خان اسفندیار»



بردیا کیارس، نوازنده ویولن در سومین تجربه همکاری اش با حسین پارسایی رهبری ارکستر نمایش موزیکال «هفت خان اسفنددیار» را برعهده خواهد داشت. بردیا کیارس و پوریا خادم همکاری مشترک خود را در نمایش موزیکال «هفت خان اسفندیار» در مقام آهنگساز به نمایش می‌گذارند. کیارس از نوازندگان چیره‌دست ویولن است که سابقه حضور به‌عنوان رهبر سابق ارکستر ملی، رهبر مهمان و آسپستان رهبر ارکستر سمفونیک تهران، رهبر ارکستر مجلسی تهران و همچنین کنسرت مایستر ارکستر سمفونیک تهران را در کارنامه خود دارد. او بعد از نمایش‌های موزیکال «الیور توئیست» و «بینوایان» سومین تجربه همکاری خود را با حسین پارسایی در مقام کارگردان در هفت خان اسفندیار به نمایش می‌گذارد. همچنین پوریا خادم، آهنگساز و نوازنده پیانو بعد از موسیقی- نمایش «علمدار» دومین تجربه همکاری خود را با پارسایی پشت سرمی‌گذارد. «پونم سفونی تختی» ضبط شده توسط ارکستر متروپلیتن پراگ از دیگر آثار ارکسترال پوریا خادم است. هفت خان اسفندیار، محصول سازمان هنری -رسانه‌ای اوچ، اردیبهشت سال جاری در تالار وحدت روی صحنه خواهد رفت.

نقاشی از چهره مادران قهرمان جنگ

یک هنرمند ویتنامی با موتور سیکلتش به سراسر ویتنام سفر می‌کند تا تصویر هزاران مادری را به تصویر بکشد که در طول جنگ ویتنام با آمریکا عزیزان‌شان را از دست داده‌اند. «دانگ آی ویت»، هنرمند ویتنامی است که در تلاش برای فراموش نشدن چهره مادرانی که در طول جنگ ویتنام دو یا چند نفر از عزیزان‌شان را از دست داده و رنج کشیده‌اند، با موتورش به نقاط مختلف این کشور در جنوب شرقی آسیا سفر می‌کند. این نقاش ۷۵ساله تاکنون چهره ۲۷۶۵ زن را به تصویر کشیده است که اعضای گروهی محسوب می‌شوند که به دلیل فداکاری‌های‌شان در طول جنگی که در سال ۱۹۷۵ میلادی تمام شده به گروه «مادران دلاور» مشهور است.